دلایل نقلی بر ناتوانی بشر از شناخت خدا ـ سیدمحمد رضوی، سیدابوالحسن سادات اخوی
علمی - ترویجی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هفدهم، شماره ۶۵ «ویژه قرآن و حدیث»، زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۱۴-۱۲۷

دلایل نقلی بر ناتوانی بشر از شناخت خدا[1]

سید محمد رضوی*
سید ابوالحسن سادات اخوی**

چکیده: در این مقاله دلایل نقلی، شامل قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام بر ناتوانی بشر از شناخت خدا بوسیلهٔ ابزارهای شناختی بشری شامل عقل، وهم، خیال و فکر بررسی شده و با بیست و دو دسته آیه و روایت، تأکید و تأیید شده است. البته بشر فاقد معرفت خدا نیست، بلکه به در این معرفت دخالتی ندارد.

معرفت خدا، فعل خدای متعال است و بشر نسبت به آن منفعل است، خدای سبحان تفضلاً این معرفت را به انسان بخشیده است. انسان مختار می‌تواند نسبت به معرفت موهبتی خدای متعال موضع بگیرد، یا آن را بپذیرد و اقبال کند، یا آن را منکِر شود و ادبار کند، که بدین جهت مستلزم و مستوجب ثواب یا عقاب الهی می‌گردد. آیات و روایات نشان می‌دهند که خدای متعال در عقل، وهم، خیال و فکر انسان نمی‌آید تا برای او معرفتی بشری حاصل شود. بعلاوه معرفت خدای متعال، فعل خدا است، بشر در آن، دخالتی ندارد و این معرفت قبل از نشئهٔ دنیا به انسان اعطا شده است.

کلیدواژه‌ها: عقل؛ وهم؛ معرفت؛ صنع؛ فطرت.

*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی DsmRazavi@yahoo.com
*. پژوهشگر (نویسنده مسئول) a_sadatakhavi@yahoo.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]

پیشینه

منابع حدیثی متقدّم شیعه، از محاسن برقی، کافی کلینی و توحید صدوق تا جوامع حدیثی متأخر، که هر کدام به گونه‌ای تفسیر کلام الله می‌باشند، روایاتی در باره عدم شناخت خدا به صورت پراکنده آورده‌اند.

همچنین اکثریت عرفا، فلاسفه و متکلمین، در باب امتناع شناخت ذات خدا سخنانی بیان داشته‌اند، با این توضیح که به «معرفت خدا بالله» قائل نیستند.

اما بیش از همه در عصر حاضر، آیت الله میرزا مهدی اصفهانی[1] به این مطلب توجه کرده و بالتبع، شاگردان ایشان در این باب گفتگو و تألیف کرده‌اند.

مقالهٔ حاضر دو ویژگی دارد که در نوشته‌های مذکور وجود ندارد: اولاً گردآوری یکپارچه اکثر آیات و روایات در زمینهٔ شناخته نشدن خدا توسط بشر و شناخت خدا بالله، که مجموعاً نظام اعتقادی اسلام به خداشناسی را نشان می‌دهد. ثانیاً نشان دادن تواتر معنوی این موضوع در روایات شریفه، که ما حصل آن اثبات اعتقادی بر پایهٔ مسلّمیات نقلی علاوه بر دلایل عقلی می‌باشد.

مقدمه

مهمترین و اساسی‌ترین آموزهٔ انبیاء الهی و شرایع آسمانی، معرفت خدا و توحید است؛ به گونه‌ای که هر پیامبری، رسالتش را با دعوت مردم به عبادت خدا آغاز کرد. خدای حکیم، از زبان انبیاء عظام الهی، نوح، هود، صالح و شعیب علیهم‌السلام در سوره‌های اعراف و هود می‌فرماید: «قالَ یا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیْرُهُ»؛ یعنی ای مردم! الله را عبادت کنید که غیر از او الهی نیست.

۱. بنیان گذار مکتب معارفی خراسان و فقیه اصولی، از شاگردان برجسته‌ی میرزای نائینی و تنها دارنده‌ی اجازه‌ی اجتهاد مطلق از ایشان که توسط آیات عظام، آقا ضیاء الدین عراقی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حائری مورد تأیید قرار گرفت. (احیاگر حوزه خراسان، ص ۱۶۵ - ۱۷۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]

از سویی عبادت فرع بر معرفت است، پس می‌بایست مردم نسبت به الله معرفت می‌داشتند. اینک می‌پرسیم: این معرفت کجا و چه زمانی حاصل شده است؟ و آیا خود مردم نقشی در این معرفت داشته‌اند؟ یا اساساً مردم توان شناخت الله را داشته‌اند؟

این مقاله می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که معرفت خدا، از کجا نشأت گرفته است و اینکه انسان، امکان شناخت خدا را دارد یا ندارد.

به حکم عقل، مخلوقات محدود، قدرت شناخت خالق نامحدود را ندارند. این مطلب عقلی با آیات و روایاتی که عقل را منبّه و تذکّردهنده می‌داند، به بیانات مختلف اثبات می‌شود. به لحاظ محدودیت مقاله از هر گروه از نصوص وحیانی، تنها چند نمونه نقل می‌شود.

باید دانست که می‌توان به دلیل فراوانیِ موضوعی روایات در این زمینه، ادعای تواتر معنوی در این موضوع کرد. این مهم ما را از بررسی سندی تک تک روایات بی‌نیاز می‌کند.[1]

روایات ناتوانی عقل، وهم، خیال و فکر بشر، از شناخت خدا

۱. ناتوانی «عقل» از شناخت خدا

روایاتی که در آن از مشتقات لفظ عقل استفاده شده است. عقل را از شناخت خدا عاجز و در احتجاب معرّفی می‌کند:

۱- أمیر المؤمنین علیه‌السلام فرمود: «احْتَجَبَ عَنِ الْعُقُولِ كَمَا احْتَجَبَ عَنِ الإبْصَارِ ...» (تحف العقول، ص: ۲۴۵)

۲- امام مجتبی علیه‌السلام در پاسخ این درخواست که توصیف خداوند را از حضرتش

۱. چنانکه آیت الله خویی می‌نویسد: «و إن استفاضة الروایات اغنتنا عن النظر فی إسنادها». (معجم رجال الحدیث للخوئی، ج ۸، ص ۳٦۰)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]

خواستند، فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لَهُ أَوَّلٌ مَعْلُومٌ وَ لَا آخِرٌ مُتَنَاهٍ، وَ لَا قَبْلٌ مُدْرَكٌ وَ لَا بَعْدٌ مَحْدُودٌ، وَ لَا أَمَدٌ بِحَتَّى وَ لَا شَخْصٌ فَيَتَجَزَّأَ، وَ لَا اخْتِلَافُ صِفَةٍ فَيَتَنَاهَى؛ فَلَا تُدْرِكُ الْعُقُولُ وَ أَوْهَامُهَا وَ لَا الْفِكَرُ وَ خَطَرَاتُهَا ...» (التوحید، ص: ۴۵)

۲. ناتوانی «وهم» از شناخت خدا

روایاتی که در آن از مشتقات لفظ «وهم» استفاده شده است، بشر را عاجز از توهّم خدا می‌دانند.

وهم، خیال و فکر غیر از عقل هستند. این قواهای نفسانی در انسان توانایی‌هایی ایجاد می‌کنند، ولی همگی تحت اشراف عقلند، لذا آنان نیز راهی به شناخت خدا ندارند:

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «کلّما میّزتموه بأوهامکم فی أدقّ معانیه مخلوق مصنوع مثلکم مردود إلیکم. و لعلّ النمل الصغار تتوهم أن لله تعالی زبانیتین، فإن ذلك کمالها و یتوهّم أن عدمها نقصان لمن لا یتّصف بهما. و هذا حال العقلاء فیما یصفون الله تعالی به» (بحار الانوار، ج۶۶، ص: ۲۹۳)

در این حدیث که ملا صدرا هم در شرح أصول الکافی، ج۳، ص ۱۳۳ به آن اشاره می کند، امام علیه السلام بیان می‌دارند که هر چیزی که وهم انسان حتی به دقیق‌ترین معنا به آن احاطه پیدا کند، مخلوق و مصنوعی مثل خود اوست، که به سوی خودش باز می‌گردد. و حال عقلاء[1] در شناخت عقلی خدا مانند مورچهٔ کوچکی است که شاید توهّم می‌کند خدای متعال دارای دو شاخک عظیم است، زیرا کمال را در شاخک و نقصان را در نداشتن آن می‌بیند.

۲- امام کاظم علیه السلام در مناظره با راهب نصرانی می‌فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَجَلُّ وَ

۱. توضیح آنکه منظور از عقلاء در این روایت، فیلسوفانی است که همه‌ی کمال را در وجود می‌پندارند، و گمان می‌کنند که خدا هم وجود است. حال آنکه خدای متعال هم خالق شاخک و هم خالق وجود است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]

أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يُحَدَّ بِيَدٍ أَوْ رِجْلٍ أَوْ حَرَكَةٍ أَوْ سُكُونٍ أَوْ يُوصَفَ بِطُولٍ أَوْ قِصَرٍ أَوْ تَبْلُغَهُ الاوْهَامُ ...»
(توحید صدوق، ص ۷۵)

۳. ناتوانی خیال از شناخت خدا

روایاتی که در آنها از مشتقات لفظ «خیل» استفاده شده است، خیال خدای متعال را غیر ممکن بیان می‌کنند:

۱- امام باقر علیه‌السلام: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَعَ الاوْهَامَ أَنْ تَنَالَ الإ وُجُودَهُ، وَ حَجَبَ الْعُقُولَ أَنْ تَتَخَيَّلَ ذَاتَهُ لِامْتِنَاعِهَا مِنَ الشَّبَهِ وَ التَّشَاكُلِ ...» (کافی، ج ۸، ص ۱۸)

۲- امیرالمؤمنین علیه‌السلام در پاسخ این درخواست که خداوند را وصف کند، پس از تسبیح و تعظیم خداوند فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هُوَ أَوَّلٌ بِلَا بَدِیءٍ مِمَّا وَ لَا بَاطِنٍ فِیمَا وَ لَا يَزَالُ مَهْمَا وَ لَا مُمَازِجٍ مَعَ مَا وَ لَا خَيَالٍ وَهْماً ...» (همان؛ ص۷۸)

۴. ناتوانی «فکر» از شناخت خدا

روایاتی که در آن از مشتقات لفظ فکر استفاده شده است. و ناتوانی فکر از شناخت خدا را تذکر می‌دهد:

۱- امیرالمؤمنین علیه‌السلام ضمن دعای یمانی عرضه می‌دارد: «... فَلَا يَبْلُغُكَ بُعْدُ الْهِمَمِ وَ لَا يَنَالُكَ غَوْصُ الْفِكَرِ وَ ...» (مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۱۰۵)

۲- امیرالمؤمنین علیه‌السلام ضمن خطبه‌ای در مسجد کوفه فرمود: «... وَ قَدْ ضَلَّتْ فِی إِدْرَاكِ كُنْهِهِ هَوَاجِسُ الْأَحْلَامِ لِأَنَّهُ أَجَلُّ مِنْ أَنْ يَحُدَّهُ أَلْبَابُ الْبَشَرِ بِالتَّفْكِيرِ أَوْ يُحِيطَ بِهِ الْمَلَائِكَةُ عَلَى قُرْبِهِمْ مِنْ مَلَكُوتِ عِزَّتِهِ بِتَقْدِيرٍ ...» (التوحید؛ ص۵۱)

همانطور که در این چهار دسته روایت مشاهده گردید، بشر هیچ راه عقلی، وهمی، خیالی و فکری به خدای متعال ندارد که شناختی برای او حاصل شود.

اما دسته‌ای از روایات، معرفت را فعل خدای متعال می‌شمارند و بشر را در ایجاد معرفت منفعل می‌دانند. لذا این روایات، شناخت انسان را - چه عقلی و چه غیر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]

عقلی که حاصل فعالیت انسان باشد - نفی می‌کنند، ولی به فعل الهی بشر را واجد معرفت خدا می‌دانند.

به خاطر فراوان بودن این روایات، فقط به یکی دو نمونه از هر دسته اشاره می‌شود.

روایات مؤید عدم شناخت خدا حاصل از فعّالیت انسان، در مقابل شناخت خدا بالله

۱. مبنای احتجاج خدا

مبنای احتجاجات خدا با بندگانش بواسطهٔ اعطاهایی است که خدا به بندگانش می‌کند. و معرفت یکی از عطیه‌های الهی است.

۱- امام صادق علیه‌السلام: «إِنَّمَا احْتَجَّ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ بِمَا آتَاهُمْ وَ عَرَّفَهُم» (المحاسن؛ ج۱؛ ص۲۷۶)

۲- امام صادق علیه‌السلام: «إِنَّ أَمْرَ اللَّهِ كُلَّهُ عَجِيبٌ إِلَّا أَنَّهُ قَدِ احْتَجَّ عَلَيْكُمْ بِمَا قَدْ عَرَّفَكُمْ مِنْ نَفْسِه» (الکافی؛ ج۱؛ ص۸۶)

۲. معرفت، صنع خدا

دسته‌ای از روایات اساساً معرفت را ساختهٔ خدای متعال می‌دانند و هر گونه دخالت بشر را در آن نفی می‌کنند. به عنوان نمونه:

امام صادق علیه‌السلام در پاسخ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ که پرسید: "الْمَعْرِفَةُ مِنْ صُنْعِ مَنْ هِيَ؟" فرمود: «مِنْ صُنْعِ اللَّهِ لَيْسَ لِلْعِبَادِ فِيهَا صُنْعٌ.» (الکافی؛ ج۱ ؛ ص۱۶۳)

۳. مؤاخذهٔ خدای متعال بعد از معرّفی

خدای متعال بندگانش را بعد از شناساندن خود مؤاخذه می‌کند؛ البته این تعریف، افزون بر معرّفی خود، شامل معرّفی رضا و سخطش نیز هست.

امام صادق علیه‌السلام در این حدیث، چهار آیه را تبیین می‌کند. «وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْماً بَعْدَ إِذْ هَداهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ ما يَتَّقُونَ؛ قال: حَتَّى يُعَرِّفَهُمْ مَا يُرْضِيهِ وَ مَا يُسْخِطُهُ. وَ قَالَ: فَأَلْهَمَها

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]

فُجُورَها وَ تَقْواها؛ قَالَ: بَيَّنَ لَهَا مَا تَأْتِي وَ مَا تَتْرُكُ؛ وَ قَالَ: إِنَّا هَدَيْناهُ السَّبِيلَ إِمَّا شاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً؛ قَالَ: عَرَّفْنَاهُ إِمَّا آخِذٌ وَ إِمَّا تَارِكٌ. وَ عَنْ قَوْلِهِ: وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْناهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمى عَلَى الْهُدى؛ قَالَ: عَرَّفْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى وَ هُمْ يَعْرِفُونَ وَ فِي رِوَايَةٍ بَيَّنَّا لَهُمْ.» (همان)

۴. روایات ابزار نداشتن بشر برای معرفت خدا

روایاتی بیان می‌دارند که بشر ابزاری، چه عقلی و چه غیر عقلی برای شناخت خدا ندارد.

عَبْدِ الْأَعْلَى از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، هَلْ جُعِلَ فِي النَّاسِ أَدَاةٌ يَنَالُونَ بِهَا الْمَعْرِفَةَ؟ امام فرمود: نه. گفت: فَهَلْ كُلِّفُوا الْمَعْرِفَةَ؟ فرمود: «لَا، عَلَى اللَّهِ الْبَيَانُ. لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها وَ لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا ما آتاها». آنگاه در بارهٔ آیه پرسید: وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْماً بَعْدَ إِذْ هَداهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ ما يَتَّقُونَ؟ فرمود: «حَتَّى يُعَرِّفَهُمْ مَا يُرْضِيهِ وَ مَا يُسْخِطُهُ.» (همان)

۵. روایات وظیفه بندگان در مقابل معرّفی خدا

بر اساس روایات، وظیفهٔ بندگان شناخت خدا نیست، بلکه قبول معرّفی خدای متعال است. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لَيْسَ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَنْ يَعْرِفُوا قَبْلَ أَنْ يُعَرِّفَهُمْ؛ وَ لِلْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعَرِّفَهُمْ؛ وَ لِلَّهِ عَلَى الْخَلْقِ إِذَا عَرَّفَهُمْ أَنْ يَقْبَلُوه» (التوحید؛ ص۴۱۲)

۶. روایات شرح و نکت خدا

دسته‌ای از روایات، نَکت[1] در قلب و شرح صدر را مانند تعریف، فعل خدا می‌دانند. یعنی اثر گذاری در قلب، فعل خداست و این معنای آیهٔ شرح صدر است. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْراً نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً مِنْ نُورٍ، وَ فَتَحَ مَسَامِعَ قَلْبِهِ وَ وَكَّلَ بِهِ مَلَكاً يُسَدِّدُهُ. وَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ سُوءاً نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً سَوْدَاءَ وَ سَدَّ مَسَامِعَ قَلْبِهِ وَ وَكَّلَ

۱. «النَّكْتُ: أن تَنْكُتَ بقضيب فی الأرض، فتؤثر فيها بطرفه» (کتاب العین، ج ۵، ص: ۳۳۹)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]

بِهِ شَيْطَاناً يُضِلُّهُ. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ وَ مَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقاً حَرَجاً» الآية؛ و قال: «إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ»؛ و قال: «أُولئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ.» (تفسیر العیاشی؛ ج۱؛ ص۳۲۱)

۷. معرفت مکتسبه

روایات صراحتاً اکتساب معرفت از طرف مخلوق را منتفی می‌شمارند:

«عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمَعْرِفَةِ أَ هِیَ مُكْتَسَبَةٌ؟ فَقَالَ: لَا. فَقِیلَ لَهُ: فَمِنْ صُنْعِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنْ عَطَائِهِ هِیَ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَ لَیْسَ لِلْعِبَادِ فِیهَا صُنْعٌ، وَ لَهُمُ اكْتِسَابُ الْأَعْمَالِ. وَ قَالَ علیه السلام: إِنَّ أَفْعَالَ الْعِبَادِ مَخْلُوقَةٌ، خَلْقَ تَقْدِیرٍ لَا خَلْقَ تَكْوِینٍ» (التوحید، ص ۴۱۶)

۸. روایات بیان نحوهٔ معرفت معصومین نسبت به خدا

از امیرالمؤمنین علیه‌السلام پرسیدند که چگونه خدایش را شناخته است؛ ایشان شناختشان به خدا را فعل خدا بیان می‌کنند:

«سُئِلَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) بِمَا عَرَفْتَ رَبَّكَ؟ فَقَالَ: بِمَا عَرَّفَنِی نَفْسَهُ ...» (المحاسن، ج۱، ص ۲۳۹)

۹. شناخت خلق به خدا، نه بالعکس

در این حدیث شریف، امام صادق علیه‌السلام بیان می‌دارند که خدا به خلقش - که عقل و نبی را نیز در بر می‌گیرد - شناخته نمی‌شود، بلکه مخلوقات به خدا شناخته می‌شوند:

«عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ، قَالَ، قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام): إِنَّ اللَّهَ أَجَلُّ وَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ یُعْرَفَ بِخَلْقِهِ بَلِ الْخَلْقُ یُعْرَفُونَ بِاللَّهِ، قَالَ: صَدَقْتَ ...» (رجال الکشی، ص۴۲۰)

۱۰. شناخت خدا به خدا

در این روایت شریف می‌گوید خدای متعال را به خودش بشناسید:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ، وَ الرَّسُولَ بِالرِّسَالَةِ، وَ أُولِي الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ الْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» (الإمامة و التبصرة من الحيرة، ص۱۳۷)

۱۱. معنای آیهٔ فطرة الله

توحید همان فطرتی است که خدا بشر را بدان سرشته است:

امام باقر علیه‌السلام دربارهٔ آیهٔ «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها»[1] فرمود: التَّوْحِيدُ. (الامالی (للطوسی)، ص۶۶۰)

۱۲. معنای آیهٔ الست

منظور از آیهٔ الست بربکم، اخذ میثاق از بندگان بر توحید، قبل از این دنیا است.

امام صادق علیه‌السلام در بارهٔ آیهٔ «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها» پرسید که این فطرت چیست؟ فرمود: «هِيَ الْإِسْلَامُ، فَطَرَهُمُ اللَّهُ حِينَ أَخَذَ مِيثَاقَهُمْ عَلَى التَّوْحِيدِ، قَالَ «أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ»[2] «وَ فِيهِ الْمُؤْمِنُ وَ الْكَافِرُ» (مختصر البصائر، ص۳۹۵)

۱۳. معنای آیهٔ «نذیر من النذر الاولی»

این آیه دربارهٔ دعوت بندگان به خدا در عوالم ذر، نازل شده است:

امام صادق علیه‌السلام در بارهٔ آیهٔ «هذا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولى»[3] فرمود: «يَعْنِي مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله حَيْثُ دَعَاهُمْ إِلَى الْإِقْرَارِ بِاللَّهِ فِي الذَّرِّ الْأَوَّلِ» (همان، ص۴۰۸)

۱۴. معرّفی در عالم ذر

اگر معرّفی خدای متعال در عالم ذرّ نمی‌بود، احدی ربّش را نمی‌شناخت.

امام صادق علیه‌السلام ذیل آیهٔ «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ»[4] فرمود: «أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ ظَهْرِ آدَمَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَخَرَجُوا كَالذَّرِّ، فَعَرَّفَهُمْ نَفْسَهُ. وَ لَوْ لَا

۱. الروم ۳۰: ۳۰.
۲. الأعراف ۷: ۱۷۲.
۳. النّجم ۵۳: ٥٦.
٤. الأعراف ۷: ۱۷۲.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]

ذَلِكَ لَمْ يَعْرِفْ أَحَدٌ رَبَّهُ. ثُمَّ قَالَ: أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلى ...» (بصائر الدرجات، ج۱، ص۷۱)

۱۵. معرفت مخلوق خدا در قلب

معرفت مخلوق خدا می باشد و جایگاه آن قلب انسان است:

عبد الرحیم قصیر از امام صادق علیه السلام در بارهٔ معرفت و انکار (جحود) پرسید. حضرتش در پاسخ نوشت:

«سألت عن المعرفة ما هی؟ فاعلم أن المعرفة من اللّه عز و جل فی القلب مخلوقة، و الجحود من صنع اللّه فی القلب مخلوق، و لیس للعباد فیهما من صنع، و لهم فیهما الاختیار و الاکتساب؛ فبشهوتهم للإیمان اختاروا المعرفة، فکانوا بذلك مؤمنین عارفین، و بشهوتهم للکفر اختاروا الجحود، فکانوا بذلك کافرین جاحدین ضلالا، و ذلك بتوفیق اللّه لهم و خذلان من خذله اللّه، فبالاختیار و الاکتساب عاقبهم اللّه و أثابهم» (إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج۱، ص ۶۹)

۱۶. معرفت جمادات به خدا

این روایات به اقرار جماداتی نظیر سنگ‌ها به وحدانیت خدا اشاره دارند. و از آنجایی که اقرار فرع بر معرفت است، باید معرفت به خدا در آنها موجود باشد؛ زیرا که قطعاً معرفت در جمادات اکتسابی نیست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«یَا عَلِیُّ تَخَتَّمْ بِالْیَمِینِ تَکُنْ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ». پرسید: یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْمُقَرَّبُونَ؟ فرمود: «جَبْرَئِیلُ وَ مِیکَائِیلُ». پرسید: بِمَا أَتَخَتَّمُ یَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فرمود: «بِالْعَقِیقِ الْأَحْمَرِ فَإِنَّهُ أَقَرَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْوَحْدَانِیَّةِ وَ لِی بِالنُّبُوَّةِ وَ لَكَ یَا عَلِیُّ بِالْوَصِیَّةِ وَ لِوُلْدِكَ بِالْإِمَامَةِ وَ لِمُحِبِّیكَ بِالْجَنَّةِ وَ لِشِیعَةِ وُلْدِكَ بِالْفِرْدَوْسِ» (علل الشرائع، ج ۱، ص۱۵۸)

۱۷. معرفت نباتات به خدا

در این دسته روایات نیز به ایمان گیاهان به خدا اشاره شده است. و پر واضح است که ایمان نیز فرع بر معرفت است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«كُلُوا الْبَاذَنْجَانَ وَ أَكْثِرُوا مِنْهَا فَإِنَّهَا أَوَّلُ شَجَرَةٍ آمَنَتْ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَل» (مکارم الأخلاق، ص۱۸۴)

۱۸. معرفت حیوانات به خدا

وجه تمایز انسان با حیوان، عقل است. خدای متعال معرفتش را به بهائم داده است. امام سجاد علیه السلام فرمود:

«مَا بُهِمَتِ الْبَهَائِمُ عَنْهُ فَلَمْ تُبْهَمْ عَنْ أَرْبَعَةٍ: مَعْرِفَتِهَا بِالرَّبِّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى و ...» (من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۲۸۸)

۱۹. استطاعت نداشتن مردم برای معرفت

روایات شریف بیان می‌دارند که بشر قدرت و استطاعت شناخت خدا را ندارد؛ بلکه معرفت، تطوّل و بخششی از جانب خدای متعال است؛ لذا معرفت متعلّق امر خدا واقع نمی‌شود، همانگونه که امر به رکوع و سجده می‌شود:

«عَنْ صَفْوَانَ قَالَ: قُلْتُ لِعَبْدٍ صَالِحٍ: هَلْ فِي النَّاسِ اسْتِطَاعَةٌ يَتَعَاطَوْنَ بِهَا الْمَعْرِفَةَ؟ قَالَ: لَا، إِنَّمَا هُوَ تَطَوُّلٌ مِنَ اللَّهِ. قُلْتُ: أَ فَلَهُمْ عَلَى الْمَعْرِفَةِ ثَوَابٌ إِذَا كَانُوا لَيْسَ فِيهِمْ مَا يَتَعَاطَوْنَهُ، بِمَنْزِلَةِ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ الَّذِي أُمِرُوا بِهِ فَفَعَلُوهُ؟ قَالَ: لَا، إِنَّمَا هُوَ تَطَوُّلٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ تَطَوُّلٌ بِالثَّوَابِ» (المحاسن، ج ۱، ص۲۸۱)

۲۰. راه نداشتن بشر به معرفت خدا

بشر، راهی به شناخت خدا ندارد، لذا خدا آن را تکلیف بشر قرار نداده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: « لَمْ يُكَلِّفِ اللَّهُ الْعِبَادَ الْمَعْرِفَةَ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ إِلَيْهَا سَبِيلًا» (همان؛ ج۱؛ ص ۱۹۸)

۲۱. عدم معرّفی خدا، مساوی با نشناختن خالق و رازق

اگر معرّفی خدای متعال در عالم ذر نمی‌بود احدی خالقش را نمی‌شناخت.

امام صادق علیه السلام ذیل آیهٔ «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلى أَنْفُسِهِمْ» فرمود: «كَانَ ذَلِكَ مُعَايَنَةً لِلَّهِ، فَأَنْسَاهُمُ الْمُعَايَنَةَ وَ أَثْبَتَ الْإِقْرَارَ فِي صُدُورِهِمْ. وَ لَوْ لَا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]

ذَلِكَ مَا عَرَفَ أَحَدٌ خَالِقَهُ وَ لَا رَازِقَهُ؛ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ»[1]
(همان، ص ۲۸۱)

۲۲. دوست داشتن اطفال به خاطر توحید

از نشانه‌های اینکه معرفت به توحید، اکتسابی نیست، این است که خدای سبحان اطفال را بر این معرفت مفطور داشته است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ علیه السلام: يَا رَبِّ! أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ؟ فَقَالَ: حُبُّ الْأَطْفَالِ، فَإِنِّي فَطَرْتُهُمْ عَلَى تَوْحِيدِي، فَإِنْ أَمَتُّهُمْ أَدْخَلْتُهُمْ بِرَحْمَتِي جَنَّتِي»
(همان، ص ۲۹۳)

نتیجه‌گیری

با بررسی چهار دسته از روایات، روشن می‌شود که مخلوقات خصوصاً انسان، راهی به شناخت خدای متعال ندارند؛ زیرا که خدای متعال در عقل، وهم، خیال و فکر انسان نمی‌گنجد. مضافاً اینکه انسان به چیزی می‌تواند شناخت پیدا کند که یا احاطهٔ علمی و یا احاطهٔ وجودی به آن شیء پیدا کند، و این در مورد خدای سبحان محال است.

از طرف دیگر آیات و روایات، معرفت خدای متعال را بالله، ممکن بلکه ضروری می‌دانند. این معرفت در عوالم قبل از عالم دنیا به انسان اعطا شده است. البته این معرفت هم، معرفت احاطی نیست، چون محذوریت عقلی کماکان پا برجاست. بلکه معرفتی محاطی است که خداوند به قدرت قاهره‌اش - که کیفیت ندارد - به بشر موهبت کرده است. معرفت انسان به خدا بالوجدان ثابت است، ولی از باب مؤیدات نقلی در این مقاله به بیست و دو دسته آیه و روایت، که به امکان و ضرورت این معرفت اشاره دارند، پرداخته شد:

---

۱. الزخرف: ۸۷.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]

مبنای بسیاری از احتجاجات خدا با بندگان، بواسطهٔ اعطاهایی است که خدا به بندگانش می‌نماید.

معرفت ساختهٔ خدای متعال است. خدای متعال بندگانش را بعد از تعریف مؤاخذه می‌کند. بشر ابزاری، چه عقلی و چه غیر عقلی برای شناخت خدا ندارد. وظیفه بندگان شناخت خدا نیست، بلکه قبول معرّفی خدای متعال است. نکت در قلب و شرح صدر مانند تعریف، فعل خدا است.

اکتساب معرفت از طرف مخلوق منتفی است. معرفت معصومین نسبت به خدا هم صنع خداست. خدا به خلقش که عقل و نبی را نیز شامل می‌شود، شناخته نمی‌شود، بلکه مخلوقات به خدا شناخته می‌شوند. خدای متعال را فقط به خودش، باید شناخت. توحید همان فطرتی است که خدا بشر را بدان سرشته است. منظور از آیهٔ «الست بربکم»، اخذ میثاق از بندگان بر توحید، قبل از این دنیا است. آیه «نذیر من النذر الاولی» دربارهٔ دعوت بندگان به خدا در عالم ذر است. اگر معرّفی خدای متعال در عالم ذرّ نمی بود، احدی ربّش را نمی‌شناخت. معرفت مخلوق خدا است و جایگاه آن قلب انسان است. اقرار به توحید فرع بر معرفت است، و جمادات اقرار به توحید دارند. ایمان نیز فرع بر معرفت است، که نباتات دارا می‌باشند. وجه تمایز انسان با حیوان، عقل است. خدای متعال معرفتش را به بهائم نیز داده است. بشر قدرت و استطاعت شناخت خدا را ندارد. و راهی به شناخت خدا ندارد، لذا خدا آن را تکلیف بشر قرار نداده است. اگر معرّفی خدای متعال در عالم ذر نمی‌بود، احدی خالقش را نمی‌شناخت.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامة و التبصرة من الحیرة، مدرسة الإمام المهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف – قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید (للصدوق)، جامعه مدرسین – ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۹۸ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، کتاب فروشی داوری – قم، چاپ: اول، ۱۳۸۵ش / ۱۹۶۶م.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم – قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، جامعه مدرسین – قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات و منهج العبادات، دار الذخائر – قم، چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دار الکتب الإسلامیة – قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۱ ق.
۸. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، اعلمی – بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۵ ق.
۹. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد صلّی الله علیهم، مکتبة آیة الله المرعشي النجفي – ایران؛ قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، مختصر البصائر، مؤسسة النشر الإسلامی – ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۲۱ ق.
۱۱. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، لجنة التحقیق، چاپ: ۱۴۱۳ ق.
۱۲. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح أصول الکافی (صدرا)، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی – تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، الشریف الرضی – قم، چاپ: چهارم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش.
۱۴. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، دار الثقافة – قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق.
۱۵. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی – إختیار معرفة الرجال، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد – مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط – الإسلامیة)، دار الکتب الإسلامیة – تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیّاشی، المطبعة العلمیة – تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ق.
۱۸. غروی، محمد اسماعیل، احیاگر حوزه ی خراسان، نشر آفاق– تهران، چاپ: اول،۱۳۹۴ ش.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، نشر هجرت – قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دار إحیاء التراث العربی – بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.7.8]